

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال پنجم، شماره (۱۴)، پاییز ۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۶

صص ۷۴ - ۴۵

بررسی عوامل موثر بر میزان احساس امنیت در زنان شاغل در بخش خصوصی (مطالعه موردی شهر اصفهان)

نصراله پورافکاری

چکیده

تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده است که سرمایه گذاری در آموزش، اشتغال و زندگی زنان موجب افزایش بهره وری اجتماعی می شود و زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر فراهم می سازد، چرا که زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه که در مقطع زمانی امروز حضور آنان در عرصه های اجتماعی انکار ناپذیر است، همواره مورد توجه برنامه سازان و طراحان فرهنگی بوده اند. زنان و دختران نیز از این موضوع مستثنی نیستند، چرا که ورود آنها به جامعه و به کار گیری صحیح آنها در تمامی امور می تواند زمینه ساز و بستر ساز فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه مشارکت فعال تر توسعه ای همه جانبه باشد. این مقاله با هدف بررسی تأثیر پاره ای از عوامل اجتماعی و اقتصادی بر احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در

بخش خصوصی نگاشته شده است. در یک جامعه آماری نامشخص از تعداد زنان شاغل در بخش خصوصی ۳۸۴ نفر به صورت اتفاقی از ۶ منطقه شهری اصفهان به صورت تصادفی انتخاب و با ابزار پرسشنامه مورد پژوهش قرار گرفتند. نتایج تحقیق گویای سطح پایینی از احساس امنیت در زنان شاغل در بخش خصوصی در شهر اصفهان بوده است.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، اشتغال، بخش خصوصی، نوع پوشش، ضمانت اجرای قانون، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی

مقدمه و اهمیت موضوع

بحث اشتغال امروزه از جدی‌ترین مباحث اقتصادی کشورهاست، پدیده اشتغال و کار از ابتدای زندگی بشر مورد توجه بوده است. تقریباً برای اکثر سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان، توافقی جمعی مبتنی بر نیاز مردان جویای کار به داشتن شغل وجود دارد، در حالی که این توافق در مورد اشتغال زنان بسیار ناچیز است. در گذشته اشتغال زنان همراه با مردان در مزارع و در خانه، امری عادی تلقی می‌شد، هر چند تفکیک نقش‌ها و وظایف وجود داشت. جایگاه شغلی تمام زنان دنیا از نظر ورود به بازار کار، دستمزد، پاداش، ترفیع، پیشرفت‌های حرفه‌ای و... ویژگی‌های متفاوتی از مردان داشته و در بسیاری از موارد فرودست‌تر است. بر این اساس، برخی از نظریه پردازان علت آن را به مسائل متعددی ارتباط می‌دهند. پدیده اشتغال و کار زنان از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته، ولی در فراز و نشیب‌هایی قرار گرفته است. در برخی جوامع امروزی، کار زنان همپای کار مردان در جامعه جایگاه و شأن داشته است و در برخی دیگر این گونه نبوده است. با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی دارند، ولی کمتر از آنان سخن به میان می‌آورند، تنها آنجایی که از مشاغل ثانوی، تخصص کمتر، دستمزد پایین و آینده نامعلوم صحبت می‌شود، وجود زنان مطرح می‌گردد. امروزه بخش خصوصی تمایل بیشتری برای جذب زنان به بازار کار دارد و احساس امنیت در محیط کار برای زنان شاغل در بخش خصوصی به عنوان یک مسأله مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی، همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد.

امروزه حضور جدی زنان در فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار، همراه با روند تکامل اشتغال آنها، تغییرات بنیادینی در نقش سنتی ایشان به وجود آورده است. تغییر نقش سنتی زنان بدیهی است که در کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه یافته از اهمیت خاصی برخوردار باشد، چرا که در اغلب این کشورها استفاده از نیروی زن متخصص پدیده‌ای نسبتاً جدید است. این امر روند تاریخی جامعه بشری را در آستانه تحولی بس عظیم قرار داده است، چنانچه باعث شده جوامع و فرهنگ‌های سنتی نیز به تغییر طرز تلقی خود نسبت به نقش زن ملزم شوند. بدیهی است که در کشورهای مختلف نگرش‌ها و برداشت‌های متفاوت و حتی مقاومت‌های فرهنگی نسبت به کار زن در بیرون از خانه وجود داشته است، بدیهی است حضور زن به بازار کار آن هم در بخش خصوصی؛ در چنین جوامعی موجب بروز مشکلاتی خواهد بود که احساس امنیت یکی از این مسایل است که پژوهش حاضر به دنبال بررسی آن است.

گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه احساس امنیت بالایی را در جامعه نشان می‌دهند، اما برخی از افراد جامعه نیز به خاطر تامین منافع مورد نظر خویش با پذیرش ریسک‌های گوناگون ناخواسته خود را در معرض احساس ناامنی قرار می‌دهند که این شرایط خودساخته با فضای کلان و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه فاصله دارد و بالعکس گاهی اوقات برخی افراد در فضایی کاملاً ناامن زندگی می‌کنند اما هیچگونه احساس ناامنی نمی‌نمایند، بنابراین احساس امنیت فرآیند روانی و اجتماعی است که تنها بر افراد تحمیل نمی‌شود، بلکه اکثر افراد جامعه براساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و یا از بین بردن آن سهم اساسی دارند (کرامتی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

در جوامع امروز، پیشرفت‌های شگرف صنعتی و نیاز این بخش به کارگر دارای مهارت کم و ارزان، باعث شده زنان بهترین نیروهایی باشند که می‌توانستند بنا به نیاز به این بخش وارد شده و هر موقع به آنها نیازی نبود، خارج شوند. در این شرایط بازار اشتغال زنان بازار پر تب و تاب است که قابل مقایسه با بازار اشتغال مردان، حداقل در جامعه ما نیست و اشتغال زنان در

بخش دولتی آرزوی دست‌نیافتنی و در بخش خصوصی همراه با تهدیدات فراوانی است. شایان ذکر است که این پیشرفت‌ها نه تنها فرصت اشتغال زنان را محدود کرده، بلکه آنها را به سمت مشاغل پایین که به مهارت کمی نیاز داشته و دارای ارزش اجتماعی کمتری نیز بودند سوق داد. به مرور فعالیت‌های عمده زنان در یکسری مشاغل خاص که مشاغل «زنانه» نامیده شد، متمرکز گردید. این مشاغل دارای ویژگی‌هایی نظیر دستمزد پایین، مهارت کم، و ثبات پایین کار شغلی است. بدین ترتیب تفکیک دو عرصه خصوصی و دولتی کارقشری را پدید آورد که مورد توجه استثماری بخش خصوصی اند و ناامنی شغلی و حیثیتی از ویژگی‌های این نوع از اشتغال است.

در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه، محیط کار و تعاملات اجتماعی خطری حیثیت، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و مورد تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. احساس امنیت به عنوان یک متغیر اجتماعی می‌تواند تحت تاثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی قرار گیرد. از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تاثیر می‌گذارد؛ نوع ارتباطات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، محیط کار، تجربه قربانی شدن و ضمانت اجرای قانون در جامعه هستند.

از آنجایی که هنجارهای رسمی و قانونی کشور در زمینه پوشش در حد مناسبی وجود دارد، در این سازمان‌ها و موسسات وابسته به دولت آیین‌نامه الگوی پوشش و حجاب بانوان اجرا می‌گردد، اما وضعیت پوشش و حجاب برخی زنان در اماکن غیر رسمی و غیر اداری با نحوه حضور آنها در محیط‌های اداری و رسمی متعارض و غیر قابل جمع است. نکته جالب این است که نحوه پوشش بیشتر زنان شاغل در بخش‌های خصوصی متفاوت از بخش رسمی و دولتی است. همچنین ساعات کاری پاره وقت که در برخی موارد از سرشب شروع خواهد شد زمینه را برای آزادی عمل بیشتر کارفرمایان به علت کم‌رنگ بودن نظارت دولتی فراهم کرده و میزان احساس امنیت زنان شاغل در این بخش‌ها را به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. (حکیمی‌نیا، ۱۳۸۵)

بسیاری از شرکت‌ها و محیط‌های خصوصی در کشور ما با تأثیر پذیری عموماً ناخودآگاه از اندیشه‌های سرمایه‌داری، نسبت به طبقه‌بندی زنان و دختران و استخدام آنها با عناوین خوش

بیان و خوش سیما، پا در وادی خطرناکی گذاشته‌اند که گسترش و تداوم آن کرامت و شخصیت اجتماعی زنان ایرانی را خدشه دار می‌سازد. این در حالی است که آراستگی، چهره و اندام از شرایط ورود به برخی از شرکت‌های خصوصی محسوب می‌شود و گاه نیز ساینز کمر بانوان برای پوشیدن لباس‌های برخی شرکت‌ها معیار انتخاب آنان برای کار است. اما ارائه هزینه‌های آرایش برای کارمندان زن از ابتکارات جدید برخی از این شرکت‌های خصوصی است که جای بحث و تأمل دارد. برخی شرکت‌های خصوصی نمونه‌های آشکاری از استفاده ابزاری از زنان برای جذب مشتری هستند. به طوری که علاوه بر بکارگیری آنها به عنوان کارمندان ثابت در شرکت، برای انجام دادن امور بازاریابی خود نیز استفاده می‌کنند، اتفاقی که در سال‌های اخیر درباره شرکت‌های خصوصی توسعه پیدا کرده است و نظارت کمرنگ و گاهی بیرنگ دستگاه‌های نظارتی بر عملکرد این شرکتها، هر گونه درخواستی از نیروی کار در برخی از این شرکت‌ها مطرح می‌شود.

اهمیت تحقیق پیش رو را از زاویه جمعیت قابل توجه زنان و دختران جوان و نیز ضرورت مشارکت اقتصادی آنان در همه سطوح دولتی و خصوصی می‌توان توجیه نمود. به علاوه برخی پیامدهای منفی خودآرایی در جامعه ایران همچون تقلیل روابط گروهی ناشی از تضاد هنجاری، اختلال نمادی و تضعیف تعهدات جمعی را باید به این دلایل افزود (چلپی: ۱۳۷۵، ۳۳-۳۲).

بر همین مناسبت که امروزه برخی از کارفرمایان و مدیران شرکت‌های خصوصی زیبایی و خودآرایی زنان و دختران جوان را به عنوان یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در گزینش نیروی کار در نظر می‌گیرند که این خود به لحاظ فرهنگی می‌تواند یک آسیب اجتماعی جدی قلمداد گردد و دارای پیامدهای منفی و زیانباری نیز باشد که مهمترین آن برخی سوءاستفاده‌های جنسی در محیط کار و در مواردی از هم پاشیدگی بنیان خانواده‌هاست.

بر اساس یافته‌های تحقیقات مختلف، احساس ناامنی زنان معمولاً در کلان شهرها که حلقه تعاملات اجتماعی گسترده‌تر است نسبت به شهرهای کوچکتر که بافت‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی محدودیت کافی را برای مقابله با ناامنی ایجاد می‌نمایند، محسوس‌تر است. در چنین شرایطی و با توجه به اینکه شهر اصفهان نیز یکی از کلان شهرهای کشور است، می‌توان عنوان

نمود که احساس امنیت زنان شاغل در بخش خصوصی در این شهر به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شده و نیاز به بررسی میدانی دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شاغل در بخش خصوصی.

اهداف فرعی

- ۱- تعیین کلی میزان احساس امنیت در بین زنان شاغل در بخش خصوصی.
- ۲- تعیین ارتباط بین اعتماد اجتماعی زنان و امنیت اجتماعی آنان.
- ۳- تعیین ارتباط بین ویژگی‌های فردی و پوششی با امنیت اجتماعی زنان.
- ۴- تعیین ارتباط بین محیط کار و امنیت اجتماعی زنان.
- ۵- تعیین ارتباط بین تجربه قربانی شدن و احساس امنیت.
- ۶- تعیین ارتباط بین ضمانت اجرایی قانون با امنیت اجتماعی زنان.

فرضیات تحقیق

- ۱- میانگین احساس امنیت در محیط کار بخش خصوصی پایین‌تر از بخش دولتی است.
- ۲- بین میزان اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین ویژگی‌های فردی و پوششی زنان با احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین میزان حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین نوع محیط کار با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین تجربه قربانی شدن با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین میزان ضمانت اجرای قانون با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

در هر تحقیق مرور تحقیقات انجام شده توسط دیگران در ارتباط با موضوع تحقیق اهمیت زیادی دارد. مرور این تحقیقات می‌تواند محقق را از روند انجام تحقیق توسط دیگران و کمیت و کیفیت تحقیقات آنها آگاه سازد تا از این طریق هم به محاسن و هم به معایب کارهای انجام شده بیشتر آشنا شود و بتواند هر چه بهتر در تدوین موضوع تحقیق و به پیش بردن مراحل تحقیق قدم بردارد. همچنین مقایسه‌ای که محقق میان تحقیقات گوناگون انجام می‌دهد، می‌تواند به روشن شدن پاره‌ای از مسائل که دیگران کشف نکرده‌اند، کمک کند. در این بخش به تعدادی از تحقیقات داخلی و خارجی که بیشترین قرابت را با مسأله تحقیق دارند، اشاره شده است.

شغل زن بنا به شرایط محیطی مختلف تحول یافته و بر اساس مقتضیات هر زمان، در ابعاد متفاوتی شکل گرفته است تا آغاز قرون جدید مهم‌ترین تکلیف زن خانه‌داری و عهده دار شدن کارهای مربوط به منزل بود. صنعتی شدن اقتصاد و مسأله نیاز روزافزون به نیروی انسانی ماهرزن، وجود او را یکی از پر بهاترین عوامل تولید قرار داد. تعداد بسیاری از زنان در نتیجه پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی به مرور از کاخانه داری کاسته و بر کوشش خود در مشاغل اقتصادی خارج از منزل افزودند (صدر نبوی، ۱۳۸۲: ۷۷).

تحولات عمیق و گسترده اقتصادی همراه با فراز و فرودهای فرهنگی، زندگی آحاد جامعه را به شدت دگرگون ساخته است. از یک سو امنیت اقتصادی، واقعیتی که نگرانی عمومی را در زمینه بیکاری فزاینده و همچنین سایر اشکال رو به گسترش ناامنی شغلی، مسأله جدی دوران ماست. علاوه بر آن، امروزه زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیار، بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند، در نتیجه امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است. از این رو چنین به نظر می‌رسد که بحث امنیت اجتماعی زنان بیش از پیش اهمیت یافته و به واسطه پایین بودن میزان امنیت زنان نسبت به مردان، جدی تر مورد بحث قرار می‌گیرد.

صادقی و عمادزاده مهم‌ترین عامل موثر در اشتغال زنان در بازار کار را میزان تحصیلات می‌دانند. زنان آموزش دیده علاقمندند تا از مهارت‌های خود در بازار کار بهره‌برند. در این

مقاله برای شناخت عوامل موثر در اشتغال زنان و تعیین نقش هر یک از متغیرها در جذب زنان تحصیل کرده به بازار کار، از یک الگوی اقتصادسنجی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از برآورد الگو در دوره ۱۳۸۰-۱۳۴۵ با استفاده از روش OLS نشان می‌دهد که افزایش تحصیلات عالی زنان احتمال یافتن شغل در بازار کار را برای آنان بالا می‌برد. نرخ مشارکت زنان در اقتصاد ایران نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه، هنوز بسیار پایین است، ولی شواهد حاکی از آن است که نرخ مشارکت زنان طی دو دهه آینده از رشد خیره کننده‌ای برخوردار خواهد بود (صادقی و عمادزاده؛ ۱۳۸۳: ۲۱).

در پژوهشی دیگر که توسط مریم محسنی در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان «بررسی نکات نظر دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پزشکی نسبت به اشتغال زنان» صورت گرفته نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۳۰ درصد پاسخگویان معتقدند که زنان وقت محدودی برای کارهای بیرون از منزل دارند. ۳۶ درصد با فعالیت زنان در خارج از منزل موافقت و در عین حال حدود ۳۵ درصد، مردان را در احراز مشاغل دارای اولویت می‌دانند (محسنی، ۱۳۷۹: چکیده).

اگر چه تحقیقات مختلفی بر احساس امنیت بین سالمندان متمرکز بوده است، اما تعداد کمی از آنها احساس امنیت را در موقعیت فرد - محیط تحلیل کرده است. در نتیجه، علل احساس امنیت نامشخص باقی می‌ماند. به جای در نظر گرفتن عدم احساس امنیت به عنوان پیامد قربانی شدن، احساس امنیت باید در موقعیت عمومی تری از شخص - محیط بررسی شود، که منعکس کننده تعامل بین شخص و محیط است. چنین موقعیتی، احساس امنیت را در دورنمایی تحلیلی تر و وسیع تر قرار می‌دهد. به علاوه، اگر چه سالمندان نماینده بزرگ ترین گروه اقلیت هستند، اطلاعات در مورد احساس امنیت بین سالمندان متفرق است، چرا که سالمندان در اکثر مطالعات احساس امنیت، به درستی مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. از این رو ارزیابی ماهیت نمونه و ارتباط داده‌های جمع آوری شده، کاری مشکل است (کووین، ۱۹۹۰: ۱۶۹).

افشار (۱۳۸۵) در پژوهشی به «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان در شهرستان تهران»، پرداخته است. این پژوهش به صورت پیمایشی و برای زنان بین ۱۵ تا ۴۵ سال شهرستان تهران انجام گرفته و نتایج آن نشان داد؛ وضعیت تأهل، شغل، تحصیلات، عمل کرد پلیس،

عمل کرد قانون، حمایت اجتماعی و هنجار اجتماعی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چشم گیری دارد، در حالی که سن، درآمد، قومیت، سبک زندگی و وسایل ارتباطی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چندانی ندارد (افشار، ۱۳۸۵).

خوشفر (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» به روش پیمایشی برای ساکنان ۲۰ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران انجام داده است. نتایج تحقیق گویای آن است که پاسخگویان در حد کم احساس امنیت می‌کنند؛ گرایش پاسخگویان نسبت به برقراری امنیت در حد کم است؛ کم‌ترین احساس امنیت در بعد امنیت جانی و بیش‌ترین احساس امنیت در بعد امنیت مالی می‌باشد؛ مشارکت در تأمین امنیت، طبقه اجتماعی و جنس بر احساس امنیت اجتماعی اثرگذار است (خوشفر، ۱۳۷۸).

کرامتی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور» به عمل آورد. جمعیت آماری این پژوهش کلیه شهروندان بالاتر از ۱۵ سال ساکن در مراکز استان‌های کشور بوده و اهداف اصلی آن سنجش میانگین ناامنی در جامعه بوده است. عمده‌ترین ویژگی این پژوهش، در سنجش متغیر وابسته تحقیق است؛ به این معنی که برای سنجش احساس امنیت اجتماعی از شاخص‌های زیادی (حدود ۲۰ گویه) استفاده می‌شود. دیگر این که در تعداد زیادی از نظرسنجی‌ها به صورت متداول از همین شاخص‌ها بهره گرفته شده؛ که این امر از سویی موجب افزایش اعتبار شاخص‌ها طی پژوهش‌های مختلف شده و از سوی دیگر به دلیل استفاده از پرسشنامه آزمون‌شده پیشین، امکان مقایسه نتایج را فراهم آورده است (کرامتی، ۱۳۸۵).

لایندستروم و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در جامعه اقدام نمودند. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۲۰ تا ۸۰ سال شهر مالمو سوئد تشکیل داده و حجم نمونه در آن ۵۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. میزان مشارکت در این پیمایش ۷۱ درصد بوده (به عبارتی ۷۱ درصد از افراد، پرسش‌نامه‌ها را پاسخ داده و برگرداندند). در این مطالعه، سرمایه اجتماعی با توجه به عوامل فردی و محله‌ای سنجیده شده و منظور از عوامل محلی، شرکت در انتخابات شهری بوده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از

کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش یافته و به ۰/۷ درصد می‌رسید. در نهایت - با حذف عوامل فردی - سرمایه اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شد و توانست تا حدزیادی (۷/۲) احساس ناامنی افراد را تبیین نماید (لایندستروم و دیگران، ۲۰۰۳).

بررسی عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت بدون در نظر گرفتن تعدادی از ویژگیهای فردی دچار کاستی خواهد بود. افراد با ویژگیهای خاص ممکن است در برابر عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت (ناامنی) سطوح متفاوتی را از خود نشان دهند. با توجه به این امر، تعدادی از متغیرها که در مطالعات مختلف بیشتر مورد تأکید قرار گرفته اند و در ضمن روابط قویتری را از خود نشان داده‌اند، تحت عنوان متغیرهای کنترل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند، تا بدین وسیله امکان شناخت ابعاد گسترده تر و دقیق تری از عوامل مؤثر بر احساس امنیت فراهم شود که این امر مطالعه عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را تسهیل و تدقیق می‌کند.

مولار (۲۰۰۰)، به این نتیجه دست یافته اند که جنسیت، سن و اعتماد به نفس اشخاص، به عنوان عوامل آسیب پذیری در پیش بینی احساس امنیت، از راه رفتن بعد از ساعت ۱۰ شب، در خیابان برای آنهاست. هر چند آنها تصدیق کرده‌اند که مسائلی مانند روشن بودن خیابان و بهبود عوامل محیطی و اصلاح محیط زیست، در این مطالعه آنها شامل نشده اند. بنابراین با استفاده از روشها و مدل‌های سلسله مراتبی رایبسون به این نتیجه دست یافته اند که تفاوت‌های فردی، بیشتر از تأثیرات محلی می‌توانند به عنوان متغیر احساس امنیت شناخته شوند. همانگونه که پیش تر ذکر شد جنسیت به عنوان مهمترین خصوصیت فردی از پیش بینی احساس امنیت است (مولار، ۲۰۰۰).

چارچوب نظری

با پیشرفت زندگی گروهی و اجتماعی حجم کارهای زنان توسعه بیشتری یافت. با پیشرفت جوامع و ورود صنعت و مکانیزه شدن کشاورزی و کاربرد علوم جدید در کشاورزی، زنان به حاشیه رانده شدند. آنها نتوانستند متناسب با پیشرفت‌های فناوری، آموزش دیده و فعالیت‌های خود را با این شیوه جدید منطبق نمایند و بیشتر در حرفه‌های غیر حرفه‌ای خود در خانه باقی

ماندند، البته آنچه باعث این امر شد؛ مسؤولیت‌های خانگی (کارهای خانه، زایمان، بچه داری و...) بود که مانع آن شد که زنان بتوانند بیرون از خانه، به کارهای جدید که پیامد دوران صنعتی بود، پردازند. بدین ترتیب تفکیک قابل توجهی در وضعیت زندگی اجتماعی پدید آمد، کار خانگی از کار درآمدزا که در بیرون از خانه، عمدتاً قابل انجام بود، جدا شد.

در قرن (۱۷ و ۱۸) در اروپا عصر انتقال از اقتصاد فئودالی به اقتصاد صنعتی بوده، این امر تحول در اشتغال زنان داشته وضعیت زنان طبقه بورژوا و متوسط، که از تولید و تجارت عمده دور نگه داشته شده بودند، با وضعیت همسرانشان بسیار تفاوت داشت. در واقع، در جامعه‌ای که نه فقط اخلاق پروتستانی، بلکه آیین کاتولیک، بیکاری و تن‌آسایی را طرد کرده است، شرافت و ارزش مردان، به خصوص در فرانسه، انگلستان و آمریکا بر پایه تولید کالا و پس‌انداز آنها سنجیده شده و در عین حال زنان بورژوازی بیکاره طبقه بالا و متوسط موضوع تحقیر مردان قرار می‌گیرند. (کرباسی زاده ۱۳۸۴/۶: ۱۸)

بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهمتر از عنصر امنیت و تامین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. اصولاً انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد. مهمتر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است، که احساس امنیت روانی در آن جامعه حتی بعضی از کارشناسان، احساس امنیت را در یک جامعه مهمتر از وجود امنیت در آن می‌دانند. چون ممکن است در جامعه ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت نکند. در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه، به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه بر می‌گردد و هرچه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین تر است ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد، لیکن شهروندان آن احساس امنیت نکنند و بالعکس. (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۱۳۴، ۱۳۳)

مفهوم امنیت چنان که مرسوم است، ارتباط بیشتری با دولت پیدا کرده تا با مردم. دلیل این امر آن است که در قرن هفده، زمانی که سیستم متداول دولت‌ها، با ظهور امنیت بین‌المللی^۱ آغاز شده بود، با ارجاع به نیازها و تمایلات دولت‌ها، شناخته شده و عمل کرد. در این دوره گرچه دولت در وهله اول به عنوان ابزاری جهت تأمین امنیت برای شهروندان خود قلمداد می‌شد، اما در واقع به ابزاری برای تأمین امنیت سیستم دولتی تبدیل شد. به این ترتیب ثبات در مفاهیم تعیین‌کننده امنیت که در آن دولت به عنوان مفهومی محوری به کار می‌رفت، به عنوان مفهوم کامل و متداول از امنیت و عملکرد دولت‌ها بر جای ماند (بیلگین^۲، ۲۰۰۳: ۲۱۰). از این نقطه آغازین؛ فقدان امنیت برابر با فقدان اقتدار دولت مطرح شده و چنانکه در رویکرد سنتی و خصوصاً آثارها باز دیده می‌شود، دولت، به عنوان کانون امنیت و هم‌چنین، اقتدار و اجبار تلقی گردید. از این رو، امنیت شهروندان به واسطه وجود دولت تضمین شد (کراوس^۳، ۱۹۹۶: ۱۲). بدین ترتیب، بخش عمده‌ای از ادبیات کلاسیک درباره‌ی امنیت، به این مسأله می‌پردازند که امنیت به وسیله دولت‌ها ساخته می‌شود.

یکی از مفهومی‌هایی که در حوزه امنیت صورت گرفته تقسیم بندی چهاربعدی چلبی از امنیت است. او معتقد است چهار علقه افضل و عام برای انسان وجود دارد که می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد: علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۳). علقه امنیتی مربوط به بعد (g) است. در این بعد انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مستعد (انسان با چهره سیاسی) جهت حفظ آرامش و سیانت خود در ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی در صدد تحقق اهداف خود است، برای علقه امنیتی ممکن است چهار بعد اساسی قائل شد، شامل: ۱- امنیت مالی؛ ۲- امنیت جانی و بهداشتی؛ ۳- امنیت جمعی و گروهی؛ ۴- امنیت فکری. تئوری چلبی با تقسیم بندی امنیت به چهار بعد امنیت مالی، جانب، جمعی، فکری به راحتی می‌تواند گویای ابعاد مختلفی از احساس امنیت باشد که یک کنشگر فردی می‌تواند با آن مواجه شود. چهار بعد احساس امنیت از تئوری چلبی به عاریت گرفته شده است که

1- International Security

2 - Pinar Bilgin

3 - Keith Krause

عبارتند از: ۱- امنیت مالی؛ ۲- امنیت جانی و بهداشتی؛ ۳- امنیت جمعی و گروهی؛ ۴- امنیت فکری (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۲).

| | | |
|-----------------|-------------|-----------------|
| امنیت مالی a | | امنیت جانی g |
| | علاقه امنیت | |
| امنیت فکری l | | امنیت جمعی i |

باری بوزان برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد (روی، ۱۹۹۶: ۳). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان؛ ویور، ۱۹۹۸: ۴-۵). در آرای بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به واسطه مفهوم «ما» بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند، مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳). در این دیدگاه، همبستگی افراد یک جامعه، علاوه بر حفظ و بقاء، نیازمند حمایت و تقویت نیز است که این امر در سایه برخورداری از امکانات صورت می‌گیرد. به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلفی چون، آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و غیره بهره‌مند گردند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه‌ای داشته و دلبستگی میان آن‌ها تقویت شده (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۰) و در نتیجه احساس امنیت آنها افزایش خواهد یافت.

نکته دیگر، اینکه بوزان و ویور امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی^۱ مطرح کرده و اظهار می‌دارند که تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به طور ذهنی نیز قابل تجربه هستند

(بوزان؛ ویور؛ دوویدل^۱، ۱۹۹۸: ۱). بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که، مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). به این ترتیب، نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود. چراکه آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها [در تأمین امنیت] مهم و تأثیرگذار (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶).

پارسنز جامعه را به خرده سیستم‌هایی تقسیم نموده که هر کدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی [و در نتیجه امنیت] جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال، آن‌را تهدید می‌نماید (نوبدینیا، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸). او امنیت را از رویکردی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده است اما در حقیقت، مسأله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسنز، مسأله «نظم اجتماعی» است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴) که گویای مفهوم امنیت نیز هست. از آن‌جا که در نظریه پارسنز، نهادهای قانونی و حقوقی از تحقق کارکردها در جامعه خبر می‌دهد و یگانگی مورد نظر پارسنز را فراهم می‌کنند، لذا جامعه با تثبیت نهادهای حقوقی و قانونی، نظم، امنیت و دوام خود را موجب خواهد شد (بشیریه، ۱۳۷۳: ۸۹).

روشن است که حفظ نظم و امنیت در نظریه‌ی پارسنز تنها به ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز دربرمی‌گیرد. مفهوم سوگیری یا گرایش که در مقاله‌ی حاضر بررسی می‌شود، اشاره به همین موضوع دارد. به عقیده‌ی پارسنز، متغیرهای الگویی، دو شیوه‌ی متفاوت گرایش‌ات ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۹۵).

از دیگر تئوری‌های موجود درباره میزان احساس امنیت افراد مدل پایگاه - قدرت تئودور کمپر است که در سه فرضیه اصلی خلاصه می‌گردد؛ ۱- هرچه شخص در روابط اجتماعی

افزایش قدرتی را تجربه کند، احساس رضایت وی از امنیت و اعتماد بیشتر خواهد بود ۲- هرچه شخص انتظار به دست آوردن قدرت در روابط اجتماعی را داشته باشد ولی آنرا بدست نیاورد، احساس اضطراب او و به صورت بالقوه احساس ترس او بیشتر خواهد بود ۳- هرچه شخص بیشتر احساس کند که پایگاهش در روابط اجتماعی در حال صعود است، احساس رضایت و رفاه او بیشتر خواهد بود (میتار، ۱۹۹۶: ۷).

نظریات مرتبط با تأثیر فضا و محیط فیزیکی بر امنیت را نیز می‌توان به عنوان مباحثی درخور توجه مطرح نمود. به عبارتی این اندیشه که «فضاها» بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند، امری پذیرفتنی است. در این رویکرد که گاه با عنوان رویکرد «بوم‌شناختی» خوانده می‌شود، تلاش بر این است که بین احساس فردی و متغیرهای زمینه‌ای مانند شهرنشینی، زندگی اجتماعی و آشفتگی مدنی ارتباط برقرار شود. برخی از مطالعات انجام شده در این رویکرد تلاش کرده‌اند نشان دهند که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد: از جمله می‌توان به این ایده اشاره کرد که علائم حاکی از انحطاط فیزیکی محله و ضعف کنترل‌های اجتماعی می‌تواند برداشت عمومی از خطر جرم و ناامنی را تحت تأثیر قرار دهد (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴).

همانگونه که فضاهای شهری می‌توانند با برنامه‌ریزی و طرح ریزی صحیح محل بروز و نمود فضائل انسانی باشند، از جهت دیگر نیز می‌توانند، از طریق رهاشدگی و برنامه‌ریزی‌های نادرست و ساده‌انگارانه به مکان بروز انواع جرایم شهری تبدیل گردند. در این راستا، فضاهای بدون دفاع شهری یا «فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاها، قابلیت بیشتری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند» (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۸۸) موجبات کاهش امنیت اجتماعی افراد و به ویژه امنیت اجتماعی زنان را فراهم می‌آورند. وود^۱ اولین کسی بود که به رابطه میان جرم و محیط فیزیکی اشاره کرد. او این بحث را مطرح ساخت که چگونه ویژگی‌های ساختاری مربوط به گسترش ساخت منازل عمومی مانع تماس و ارتباط میان ساکنان آن (که زیر بنای کنترل اجتماعی غیر رسمی است) می‌شوند (همان، ۸۹).

گیدنز اعتماد در دنیای جدید را در قالب اعتماد در نظام‌های انتزاعی می‌آورد به نظر او دو نوع قابلیت اعتماد وجود دارد: یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل با هم دارند صورت می‌گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده‌اند. نوع دوم قابلیت اعتمادی است که در بین افرادی صورت می‌گیرد که نسبت به هم به صورتی تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند، ولی افراد تحت نظام‌های تخصصی و کارشناسی مجبور هستند به دیگران اعتماد کنند. و منظور گیدنز از نظام‌های نمادین، نمادهای کارشناسی چون پزشکی، پلیس، معلم تعمیرکار، تزیینات و... است که ما به واسطه قواعد تخصصی باید به آن‌ها اعتماد داشته باشیم. و اولین اجبار ناشی از بی‌اطلاعی افراد از تخصص و کارشناسی نظام‌های تخصصی است. در شرایط مدرنیت، اعتماد به نظام‌های انتزاعی در تداوم فعالیت‌های روزانه عجین شده است و تا اندازه زیادی به خاطر مقتضیات ذاتی زندگی روزانه اعمال می‌شوند. پس اعتماد بیشتر به خاطر پذیرش منحنی شرایط است که در آن راه‌های دیگر تقریباً بسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

روش تحقیق

هدف هر تحقیق پاسخ به یک یا چند سوال است. بدین منظور، محقق فرضیه‌هایی تدوین می‌کند و به جمع‌آوری داده‌هایی برای آزمون فرضیه‌ها مبادرت می‌کند. و بدین منظور داده‌هایی برای آزمون فرضیات تحقیق گردآوری می‌کند. سپس با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به اطلاعاتی دست می‌یابد که از طریق آن می‌توان فرضیات تحقیق را بررسی کرد. و با مشاهده نتایج می‌توان فرضیات پیشنهادی تحقیق را قبول یا رد کرد. در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پرداخته شده است.

این پژوهش در سال ۱۳۸۹ به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت در میان از زنان شاغل در شرکت‌های خصوصی در شهر اصفهان صورت گرفته است. با توجه به نامشخص بودن جامعه آماری به صورت دقیق ۳۸۴ نفر به صورت اتفاقی در ۶ منطقه از مناطق

اصفهان به صورت تصادفی مورد پرسش قرار گرفتند. برگشت همه پرسشنامه‌های پژوهش ضریب بسیار بالای برگشتی را برای این تحقیق انجام داد.

در تدوین پرسشنامه، غالباً از شاخص‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است. به این صورت که به گزینش معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی، اقدام نموده و برای حصول روایی (Validity) قابل قبول، ماده‌های مربوط در اختیار صاحب‌نظران جامعه‌شناس قرار گرفته و پس از داوری ایشان و حصول روایی محتوایی، در این تحقیق به کار بسته شده است. جهت اطمینان از پایایی (Reliability) ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای هریک از متغیرهای تحقیق در جدول زیر قید شده است.

جدول ۱) ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

| نام متغیر | ضریب آلفای کرونباخ |
|-------------------|--------------------|
| احساس امنیت | ۰/۸۴ |
| اعتماد اجتماعی | ۰/۸۶ |
| نوع پوشش | ۰/۷۰ |
| حمایت اجتماعی | ۰/۷۱ |
| تجربه قربانی شدن | ۰/۸۸ |
| ضمانت اجرای قانون | ۰/۷۷ |

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار استنباطی نشان می‌دهد که آیا الگوهای توصیف شده در نمونه، کاربردی در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده و هم‌چنین الگوها و فرآیندهای کشف شده در نمونه در جمعیت هم کاربرد دارند یا خیر (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳۸). هم‌چنین آمار استنباطی ما را قادر به استنباط ویژگی‌های جمعیت از روی ویژگی‌های نمونه می‌کند (همان). در این بخش از فصل

چهارم، که به تحلیل استنباطی داده‌ها اختصاص داده شده است، به بررسی رابطه بین متغیرها می‌پردازیم. در این قسمت با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، به آزمون متغیرهای زمینه‌ای و فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت. در این قسمت از تحقیق برای آزمون متغیرها و فرضیات تحقیق، تحلیل‌های دو متغیره تحقیق صورت خواهد گرفت، و با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی هم چون ضریب همبستگی پیرسون (Pearson) و تحلیل رگرسیون و میانگین به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه‌های تحقیق خواهیم پرداخت.

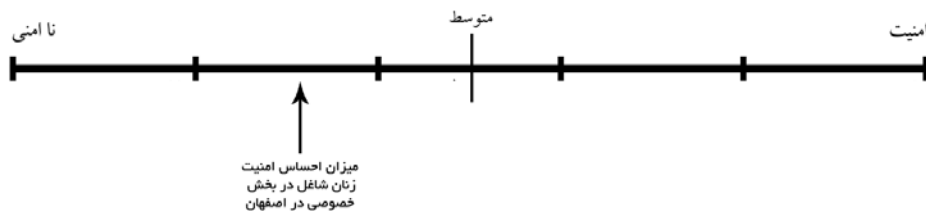
فرضیه شماره ۱: میانگین احساس امنیت در محیط کار بخش خصوصی پایین‌تر از بخش دولتی است.

میانگین به دست آمده برای متغیر وابسته تحقیق یعنی امنیت اجتماعی در جدول شماره ۲ که بین کم و متوسط (مایل به کم) قرار دارد. احساس امنیت ۳۶/۷۱ درصد افراد کم، ۳۲/۰۳ درصد متوسط و تنها ۷/۰۳ درصد افراد از احساس امنیت اجتماعی بسیار زیاد برخوردار بوده‌اند. این نتایج بیانگر پایین بودن احساس امنیت اجتماعی در میان زنان شاغل در بخش خصوصی در شهر اصفهان است.

جدول شماره ۲: سنجش میانگین احساس امنیت زنان شاغل در بخش خصوصی در شهر اصفهان

| متغیر | ابعاد | فراوانی | درصد |
|---------------------|-----------|---------|-------|
| احساس امنیت اجتماعی | خیلی زیاد | ۲۷ | ۷/۰۳ |
| | زیاد | ۳۴ | ۸/۸۵ |
| | متوسط | ۱۲۳ | ۳۲/۰۳ |
| | کم | ۱۴۱ | ۳۶/۷۱ |
| | بسیار کم | ۵۹ | ۱۵/۳۶ |

طیف زیر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد.



همانگونه که در مدل نظری پژوهش آورده شده، به لحاظ نظری مجموعه عوامل موثر بر احساس امنیت زنان شاغل در بخش خصوصی شهر اصفهان عبارتند از: اعتماد اجتماعی، پوشش، حمایت اجتماعی، محیط کار و تجربه قربانی شدن. در جدول شماره ۳ رابطه متغیرهای مندرج در مدل نظری با احساس امنیت در قالب فرضیات طرح شده پرداخته می‌شود و میزان همبستگی و سطح معنی داری آنها نیز بررسی می‌شود.

جدول شماره (۳): آزمون فرضیات و بیان همبستگی‌ها

| معناداری | همبستگی (r) | فرضیه‌ها |
|----------|-------------|---|
| ۰/۳۳ | ۰/۰۰۸ | بین میزان اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۹۹** | بین ویژگی‌های فردی و پوششی زنان با احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد. |
| ۰/۹۱۶ | ۰/۰۰۶ | بین میزان حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۲۷** | بین نوع محیط کار با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۲۹** | بین تجربه قربانی شدن با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۱۱** | بین میزان ضمانت اجرای قانون با امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. |

همانگونه که در جدول فوق قابل مشاهده است، بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و حمایت اجتماعی با میزان امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و بین نوع پوشش زنان محیط کار و تجربه قربانی شدن با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. در واقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که نوع پوشش زنان با احساس آنان در مشاغل خصوصی رابطه معنادار دارد. چرا که سال‌هاست که فضای برخی شرکت‌های خصوصی به مکانی برای سوءاستفاده‌های مالی و اخلاقی از زنان و دختران تبدیل شده است. این شرکت‌ها با استخدام زنان و دختران با حقوقی پایین از آنها می‌خواهند تا جذابیت‌های ظاهریشان را در خدمت تجارت آنان قرار دهند. آنان با چنین بینشی زن را وسیله‌ای برای فروش کالا و خدمات خود در نظر می‌گیرند در نتیجه این مسأله عامل اصلی کاهش میزان احساس امنیت در زنان شاغل در بخش خصوصی است. ضریب همبستگی (۰/۳۹۹) در جدول فوق نشان دهنده وجود یک رابطه مستقیم و نسبتاً قوی بین متغیر مستقل (نوع پوشش) و وابسته (احساس امنیت) است. با توجه به کمتر بودن سطح معناداری از (۰.۰۵) می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد ادعا نمود که بین نوع پوشش زنان و میزان امنیت آنان در شرکت‌های خصوصی یک رابطه مستقیم وجود دارد؛ هر چه زنان خوش چهره و مطابق مد روز باشند در معرض تهدید جدی تری نسبت به سایر افراد برخوردار هستند.

همچنین، ضریب همبستگی (۰/۲۱۱) برای رابطه همبستگی بین ضمانت اجرای قانون با احساس امنیت در جدول شماره ۳ نشان دهنده وجود یک رابطه مستقیم و نسبتاً قوی بین متغیر مستقل وابسته است. با توجه به کمتر بودن سطح معناداری از (۰.۰۵) می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد ادعا نمود که بین ضمانت اجرای قانون با میزان احساس امنیت آنان در شرکت‌های خصوصی یک رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

تحلیل رگرسیون

این تحلیل زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیش از یک متغیر مستقل داشته باشیم. این تحلیل دو کارکرد دارد؛ ۱- کارکرد پیش‌بینی ۲- کارکرد تبیین. کارکرد پیش‌بینی از طریق معادله رگرسیون و کارکرد تبیین از طریق ضریب تعیین انجام می‌شود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره احساس امنیت زنان در شرکت‌های خصوصی بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق مورد سنجش قرار می‌دهد. تاکنون تاثیر جداگانه هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته که همان احساس امنیت زنان در شرکت‌های خصوصی بود، مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت برای اینکه در یک مدل شماتیک نقش کلیه متغیرهای مستقل و وزن‌های آن به طور یکجا بر روی متغیر وابسته مشخص شود، از روش رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. براساس نتایج جدول (۴) وزن‌های (Beta) هر کدام از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته اشتغال زنان در شرکت‌های خصوصی مشخص شده است. لازم به توضیح است "در این روش ابتدا کلیه متغیرهای مستقل به روش جبری اینتر وارد معادله می‌شوند و پس به ترتیب، متغیری که کمترین تاثیر و پایین ترین سطح معناداری را دارد از معادله خارج می‌شود، پس از خروج هر متغیر، پارامترهای معادله رگرسیون با متغیرهای باقیمانده محاسبه و تنظیم می‌شود. به همین ترتیب خروج متغیرهای فاقد سطح معناداری قابل قبول و تعیین شده ادامه می‌یابد و فقط متغیرهایی در معادله باقی می‌مانند که دارای حداقل سطح معناداری مورد قبول محقق باشند" (دواس، ۱۳۷۶: ۳۲۱).

جدول (۴): نتایج رگرسیون چندمتغیره برای شناسایی احساس امنیت زنان شاغل در شرکت‌های خصوصی

| SigT | t | Beta | SEB | B | متغیر | برچسب |
|-------|------|------|-------|------|-------------------|----------------|
| ۰.۰۰۰ | ۱۳.۵ | ۰.۵۱ | ۰.۱۲ | ۰.۳۲ | اعتماد اجتماعی | X ₁ |
| ۰.۰۱۴ | -۱.۵ | ۰.۳۶ | ۰.۳۱ | ۰.۴۶ | حمایت اجتماعی | X ₂ |
| ۰.۳۱۸ | ۴.۶ | ۰.۱۲ | ۰.۲۵ | ۰.۵۲ | محیط کار | X ₃ |
| ۰.۰۰۴ | -۲.۱ | ۰.۰۹ | ۰.۳۷۲ | ۰.۷۸ | پوشش | X ₄ |
| ۰.۰۰۳ | -۱.۱ | ۰.۱۰ | ۰.۱۳ | ۰.۴۲ | تجربه قربانی شدن | X ₅ |
| ۰.۰۰۰ | ۱.۹ | ۰.۲۸ | ۰.۴۳ | ۰.۳۵ | ضمانت اجرای قانون | X ₆ |

همان گونه که ملاحظه می‌شود متغیر اعتماد اجتماعی به میزان ۰.۵۱، متغیر حمایت اجتماعی به میزان ۰.۳۶، متغیر محیط کار به میزان ۰.۱۲، متغیر نوع پوشش به میزان ۰.۰۹ و متغیر تجربه قربانی شدن به میزان ۰.۱۰ و متغیر ضمانت اجرای قانون به میزان ۰.۲۸ از تغییرات متغیر وابسته تحقیق؛ یعنی احساس امنیت زنان شاغل در شرکت‌های خصوصی را تبیین می‌کنند.

جدول (۵): نتایج آزمون رگرسیون

| | |
|-----------------------|--------------------------------|
| R= ۰.۵۶۴ | ضریب همبستگی رگرسیون چندمتغیره |
| R ² =۰.۳۱۲ | ضریب تعیین (مجذور R) |
| F=۴۵.۳ | آزمون فیشر |
| Df=۴۸۴ | درجه آزادی رگرسیون چندمتغیره |
| SigF=۰.۰۰۰ | سطح معنی‌داری آزمون فیشر |

B= ضریب تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته.

SEB= اشتباه استاندارد ضریب B.

Beta= ضریب تاثیر متغیر مستقل استاندارد شده بر متغیر وابسته.

T= استودنت برای آزمون معناداری حضور هر متغیر مستقل در معادله.

SigT= سطح معناداری حضور هر متغیر مستقل در معادله.

مقدار آزمون فیشر (F=۰.۴۵.۲) که در سطح کاملاً معناداری است، بیانگر معناداری رابطه متغیر وابسته احساس امنیت زنان شاغل در شرکت‌های خصوصی با مجموعه متغیرهای مستقل معادله است. میزان ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره (R=۰.۵۶) نمایشگر همبستگی متوسط به بالای مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر تحقیق است. R² (مجذور R) که میزان آن

۰.۳۱۲ است. نشان دهنده نسبت واریانس متغیر وابسته احساس امنیت زنان شاغل در شرکت‌های خصوصی است که توسط متغیرهای مستقل در معادله تعیین شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت اهمیت و نقش فراوانی در ابعاد مختلف زندگی انسان دارد و نیاز به امنیت اجتماعی از قدیمی‌ترین نیازهای انسان‌هاست و در هیچ برهه‌ای از تاریخ، انسان فاقد این درخواست نبوده و نسبت به تأمین و ارضای آن هرگز بی‌نیاز نگشته است. شاید در چند دهه اخیر متفکران اجتماعی بین امنیت و احساس امنیت اجتماعی چندان فرقی قائل نبودند، ولی به خاطر تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت پیدا کرده است. چرا که این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی آن است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست. این احساس امنیت پدیده‌ای روانشناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی است. به لحاظ روش‌شناسی، احساس امنیت سازه‌ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوتی ظهور یافته و به اشکال مختلف قابل سنجش و اندازه‌گیری است. در این پژوهش نیز محقق با شاخص‌سازی ابعاد امنیت به بررسی و تجزیه و تحلیل این مفهوم پرداخته شد.

امنیت به عنوان یک نیاز فردی تأثیرات کلان اجتماعی نیز دارد و یکی از عوامل زمینه‌ساز رشد و توسعه جوامع است. احساس امنیت زمینه مشارکت اجتماعی افراد را فراهم نموده و از این طریق زمینه را برای توسعه هموار می‌سازد. هر چند احساس امنیت ارتباط مستقیمی با امنیت دارد، اما می‌تواند تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر دیگری قرار گرفته و با وجود امنیت نسبی، افراد احساس ناامنی نمایند. بررسی و شناخت این عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار بر احساس امنیت می‌تواند در جهت کاهش احساس ناامنی کارساز باشد برخی از این عوامل مداخله‌گر به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش بررسی شده‌اند.

احساس امنیت اجتماعی، از موقعیت و جایگاه برجسته‌ای در برنامه‌ریزی‌های کشوری برخوردار است که دست‌یابی و پایدارسازی آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های پیچیده‌ای بوده و آسیب‌پذیری یا زوال آن نیز، معلول زمینه‌ها و عوامل متفاوتی است.

گیدنز اعتماد فعالانه را در جامعه مدرن پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: اعتماد فعالانه؛ یعنی اعتماد به دیگران یا نهادها از جمله نهادهای سیاسی که باید فعالانه آن را تولید کرد. در چنین جامعه‌ای اعتماد به سرعت صعود یا نزول می‌یابد. تعاملات و روابط انسانی منشأ شکل‌گیری اعتماد هستند. گیدنز با پیش کشیدن نظام‌های تخصصی معتقد است، نظام‌های تخصصی منحصر به حوزه‌های کارشناسی و فنی نیست، بلکه حوزه روابط اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد و سازمان‌های گوناگون از جمله سازمان پلیس به عنوان یک نظام تخصصی در عصر جدید با در اختیار گرفتن فعالیت‌های پیچیده و حساس باید شرایط و زمینه اعتماد ورزی را برای شهروندان به وجود آورد.

بنابراین اگر زنان در جامعه نسبت به نهادها و سازمان‌ها و در تعاملشان با دوستان، همشهریان، و هم محله‌ای‌ها اعتماد نداشته باشند، زندگی اجتماعی آنان را فلج می‌کند و این امر منجر به مراقبت و محافظت غیر ضروری آنان از خودشان گشته و آن‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی باز داشته و سطح بی‌اعتمادی به دیگران را افزایش می‌دهد.

در جامعه ما، پوشش‌های ناهنجار و آرایش‌های زننده از سوی برخی بانوان (کنش) آنها را در معرض مزاحمت‌های خیابانی از سوی مجرمان بالقوه (تفسیر کنش از سوی مجرم) قرار می‌دهد. در واقع نوع لباس و آرایش بانوان به عنوان ابزار خوانش امیال درونی آنها از سوی مجرمان قلمداد می‌شود. در صورتی که زنان در مدیریت خویشتن (چگونگی پوشش و ظاهر شدن در اماکن عمومی) دچار ضعف باشند و در ایفای نقش خود ضعیف عمل کنند، احساس امنیت آنان کاهش می‌یابد و اگر این مسأله در محیط کار باشد نتیجه بدتر خواهد بود..

وجود مکان‌های ساکت و خلوت که از دید همگان به دور هستند و همچنین فضاهای اطراف شهر و قسمت‌هایی از سواحل که حضور مردم در این مکان‌ها کمتر است، زمینه را برای ارتکاب جرایم هموارتر می‌نماید. در نتیجه زنان به بهانه اشتغال در این مکان‌ها باعث نگرانی و احساس خطر برای بانوان شده و احساس امنیت را به شدت کاهش می‌دهد.

در زمینه معناداری رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در جامعه باید به موضوع اعتماد اجتماعی در جامعه اهمیت دو چندانی داده شود. نبود زمینه‌های اعتماد در روابط افراد، احتمال کاهش امنیت اجتماعی در بین افراد بیشتر خواهد کرد. اعتماد سازی و اعتماد پروری با توجه به شرایط فعلی تنها در صورتی امکان پذیر است که زمینه‌های اعتماد بنیادی در خانواده، مدرسه و همسالان مورد تقویت قرار گیرد تا گام‌های بعدی در سطوح بالاتر زندگی برداشته شود و جامعه سرشار از احساس امنیت برای خود و آیندگان داشته باشیم.

در جامعه ما حس اعتماد به نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی، مسئولیت پذیری مردم و نهادینه کردن اعتماد اجتماعی زمینه‌ای بالقوه، برای رشد احساس امنیت اجتماعی را فراهم می آورد، لذا ایجاد فضایی لازم در نهادهای جامعه که مملو از اعتماد باشد زمینه مناسبی را برای تبلور احساس امنیت بوجود می آورد.

نیروی انتظامی (پلیس) از قدیم الایام حافظ و بانی ایجاد امنیت در بین جوامع بوده است. امروزه صحبت از تعامل پلیس با جامعه و طرح پلیس جامعه مدار در سطح جوامع وجود دارد که نتیجه چنین طرحی ارتقای احساس امنیت شهروندان است و به همین علت پلیس باید در راستای وظایف خود به تعامل دوستانه خود با مردم توجه بیشتری داشته و با ارائه سمینارهایی در مورد مقاوم سازی و ایمن سازی منازل، محله و شهر همگان را از حمایت خود برخوردار کند و به پرورش حس اعتماد و مشارکت بین مردم کمک کند.

تجربه قربانی شدن افراد با ترس در ارتباط مستقیم است. این ارتباط در این پژوهش ضعیف است، اطلاع رسانی در این زمینه گام موثری برای احساس امنیت است. به همین دلیل نقش رسانه‌ها در زمینه افزایش میزان احساس امنیت غیر قابل انکار است، لذا این انتظار است که رسانه‌ها با انجام خبررسانی دقیق، به موقع و خالی از اغراق و نیروی انتظامی با داشتن جدیت، قاطعیت و عملکرد صحیح و به موقع در برخورد با خلافکاران (اعم از خرد و کلان)، زمینه‌های ایجاد ترس در میان مردم را چه به صورت عینی و چه به صورت ذهنی کاهش دهند و احساس امنیت را در جامعه به نحو احسن برقرار سازند.

در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری،

افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می شود. بر عکس دسترسی محدود و نابرابر به کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم کاری پدیدار می شود که خود از عمده ترین علل فقر است و برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس را مد نظر قرار داد، باید شناخت جایگاه و نقش زنان در توسعه و ابعاد گوناگون آن در کانون توجه برنامه ریزان توسعه قرار گیرد. هنگامی که بحث از توسعه به میان می آید منظور تغییرات هماهنگی در اقتصاد و ساختارهای جامعه، جهت استقرار یک نظام عادلانه و بهبود کیفیت زندگی انسانهاست. بر این اساس لفظ انسان مختص مرد نیست؛ بلکه در این تعریف تمامی انسانها- زن و مرد- را شامل می شود. در حالی که بررسی برآورد ترکیب جنسی جمعیت فعال طی سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نشان می دهد که استراتژیهای یک جامعه توسعه یافته باید بر مبنای مشارکت هر چه فعال تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی طراحی و تدوین شود و این مستلزم آن است که تغییری جدی در نگرش باورهای فرهنگی نسبت به نقش زن در جامعه از طریق رسانه های جمعی تولید، آموزش مناسب، ریشه کن کردن تعصبات منفی نسبت به ترقی جایگاه زنان و در نهایت ایجاد فرصت های شغلی برابر فضای اعتماد و اطمینان برای زنان به وجود آید. برنامه ریزان توسعه همواره باید در نظر داشته باشند که در ارتقای شرایط اقتصادی زنان، شهروندان درجه دوم و سایه نشین نیستند؛ بلکه برای رسیدن به شرایط مطلوب باید بر نقش زنان به عنوان فعالان اقتصادی تاکید جدی شود.

تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده است که سرمایه گذاری در آموزش، اشتغال و زندگی زنان موجب افزایش بهره وری اجتماعی می شود و زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر فراهم می سازد، چرا که زنان به عنوان نیمی از پیکره ی جامعه که در مقطع زمانی امروز حضور آنان در عرصه های اجتماعی انکار ناپذیر است، همواره مورد توجه برنامه سازان و طراحان فرهنگی بوده اند. دختران نیز از این موضوع مستثنی نیستند، چرا که آنها در آینده وارد جامعه می شوند و به کار گیری صحیح آنها در تمامی امور می تواند زمینه ساز و بستر ساز فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه مشارکت فعال تر و ساختن کشوری آباد تر در امور اجتماعی باشد.

نتایج توصیفی متغیر وابسته تحقیق نشان می دهد که میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در شرکت های خصوصی شهر اصفهان در حد پایین است.

پیشنهادات

- ۱- ایجاد بسترهای مناسب برای افزایش میزان اعتماد که به وسیله سازمان های مردم نهاد و تشویق خانواده ها می توانیم این کار را انجام دهیم همچنین برنامه ریزان و سیاست گذاران جامعه باید با حمایت های علمی و قانونی، توجه بیشتری به این مبحث مبذول داشته باشند.
- ۲- عملکرد پلیس در مورد واکنش مناسب و به موقع به فوریت های پلیسی بوده باید به اندازه ای باشد که میزان احساس امنیت در جامعه را تقویت نماید.
- ۳- مورد دیگری که بسیار قابل توجه است این است که درصدی از پاسخگویان چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم در معرض قربانی شدن در جامعه قرار گرفته اند، دخالت به جا و به موقع پلیس موجب خواهد شد تا حدی از این جرایم بکاهند.
- ۴- امنیت نیازی اساسی و همگانی است، اهمیت و ضرورت امنیت در پیوند ناگسستنی آن با زندگی است. در زمینه اهمیت امنیت و ضرورت آن برای زندگی، نیاز به کارهای پژوهشی بیشتری دارد.

منابع

- ابراهیمی، نبی الله. (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۱، شماره ۲.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷)، جامعه شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- افشار، زین العابدین. (۱۳۸۵)، بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران (رساله کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۳)، جامعه شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشرنی.
حسینی، حسین. (۱۳۸۶)، مدیریت احساس امنیت در جامعه، فصلنامه امنیت، سال ششم، شماره
۱، پاییز ۸۶.

حکیمی نیا، بهزاد. (۱۳۸۵). «حقوق، هویت و جنسیت» مجموعه مقالات همایش بین‌المللی
نقش زن در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، اصفهان: جلد دوم.

خوشفر، غلامرضا. (۱۳۷۸)، «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت
اجتماعی مراکز شهرستانهای استان مازندران»، به سفارش دبیرخانه شورای تأمین استان
مازندران.

دواس، دی.ای. (۱۳۸۲)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، چاپ سوم،
تهران، نشرنی.

رتیزر، جورج. (۱۳۷۹)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران،
انتشارات علمی.

صادقی، مسعود؛ عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان
ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زنان، ش ۱، بهار ۱۳۸۳
صدر نبوی، رامپور. (۱۳۸۲)، جامعه و فرد، صص ۷۷-۷۸.

طاهرخانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۱)، ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری، مجله مدیریت شهری، شماره
۹، بهار ۸۱.

کلاهیجان، محمود. (۱۳۸۴)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش
امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره یک، تهران: انتشارات گلپونه.

کرامتی، مهدی، (۱۳۸۵) "بررسی میزان احساس امنیت در بین شهروندان کشور". فصلنامه
مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۶ و ۷

کرباسی زاده. مریم. (۱۳۸۳) سیر تحولات اجتماعی زنان، انتشارات ققنوس. تهران

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، "جامعه‌شناسی"، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران:
نشرنی.

- محسنی، مریم. (۱۳۷۹). بررسی نکات نظر دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پزشکی نسبت به انتقال زنان. پایان نامه دوره کارشناسی: دانشگاه تبریز.
- نویدینیا، منیژه. (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره مسلسل ۱۹.
- نویدینیا، منیژه. (۱۳۸۵)، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا- مرکز مستندات اجتماعی، شماره چهارم و پنجم.
- Bilgin, Pinar (1999), "Security Studies: Theory/Practice", Department of International Politics, University of Wales, Aberystwyth. Vol. XII No.2.
- Bilgin, Pinar. (2003), "Individual and Societal Dimensions of Security". Bilkent university Turkey, Department of International Relation, International Studies Review 5, PP 203 – 222
- Bilgin, Pinar; Booth, Ken; Jones, Richard Wyn (1998), "Security Studies: The Next Stage?", *Inverno* 98, N 48-2. Series pp.131-157.
- Buzan, Barry (2000), "Security Studies: Beyond Strategy" <http://www.Yorku.Ca/dmutimer/SecurityStudies.Html>
- Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998), "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Buzan, Barry; Weaver, Ole; Jaap de Wilde (1998), "Security: A New Framework for Analysis". <http://www.drake.edu/artsci/PoLSci/personalwebpage/scurity.Html>
- Clements, Kevin (1990), "Toward a Sociology of Security", Working Paper 90-4, July, 1990.
- International Labour organization (I.L.O). world employment Report 1998-99 woman and Training in the Global Economy ,1998-99
- Krause, Keith (1996), "Critical Theory and Security Studies", Graduate Institute of International Studies. YCISS Occasional Paper, Number 33
- Lindstrom, Martin; Merlo, Joan & Ostergren, Per-Olof, (2003). "Social capital and sense of insecurity in the Neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden". *Social science & medicine*, Vol 5, p 1111-1120
- Mitar, Miran, (1996) assessment of societal security in recent past and today, college of police and security studies, Slovenia,
- Moller, Bjorn, (2000) National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict,
- Roe. Paul (1996), "The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی